

تبیین استراتژی ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران پس از برجام

محسن بیوک^۱، عبدالرضا فرجی‌راد^۲، عزت‌الله عزتی^۳

تاریخ دریافت: 1396/08/20

تاریخ پذیرش: 1397/02/03

چکیده

دستیابی ایران به فناوری هسته‌ای و در پی آن تحریم‌های چندجانبه‌ای که توسط شورای امنیت سازمان ملل، اتحادیه اروپا و ایالات متحده امریکا علیه ایران اعمال شد، قدرت ملی را هدف قرار داده و باعث کاهش وزن ژئوپلیتیکی ایران شده بود. پس از 12 سال مذاکره و با تغییر در مکانیسم و ابزارهای سیاست خارجی و اتخاذ راهبرد تنش‌زدایی، مفاهمه و اعتمادسازی در دولت یازدهم، ایران با بیست و سه ماه مذاکره با شش قدرت جهانی توانست در 23 تیر ماه 1394 در وین به توافق هسته‌ای موسوم به برجام برسد.

با توجه به آثار و پیامدهای برجام، هدف مقاله حاضر پاسخگویی به این سوالات است که قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدات ژئوپلیتیکی برجام چیست؟ استراتژی ژئوپلیتیکی ایران پس از برجام کدام است؟ با ارائه مدل تحلیلی SWOT و ارزیابی موقعیت و اقدام استراتژیک (space) نتایج مقاله نشان می‌دهد که موقعیت ایران پس از برجام در ناحیه SO قرار دارد. بنابر این متناسب با این ناحیه، استراتژی ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران پس از برجام تدوین و ارائه می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: برجام، موقعیت ژئوپلیتیک، وزن ژئوپلیتیک، استراتژی ژئوپلیتیک،

-
1. دانشجوی دکتری تخصصی جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران
 2. (نویسنده مسؤل)، دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران
a.farajirad@yahoo.com
 3. دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

مقدمه

ایران پیش از توافق هسته‌ای، زیر فصل هفتم منشور ملل متحد قرار داشت؛ در چهارچوب این فصل، 6 قطعنامه شامل 4 قطعنامه تحریمی علیه جمهوری اسلامی ایران صادر شد که قطعنامه اول زیر ماده 40 و 5 مورد دیگر زیر ماده 41 این فصل که به انواع فشارهای اقتصادی، سیاسی و دیپلماتیک علیه تهدیدکننده، نقض‌کننده یا متجاوز به صلح بین‌المللی مربوط است، صادر شده‌اند. چهار قطعنامه تحریمی شورای امنیت، طیف گسترده‌ای از تحریم‌ها را در بخش‌های مختلف به ویژه اقتصادی، هسته‌ای و نظامی، علیه جمهوری اسلامی ایران اعمال نموده است.

همچنین، تحریم‌ها بخش عمده‌ای از دارایی‌ها و درآمدهای نفتی ایران را در کشورهای مقصد صادرات نفتی آن مسدود نمود و امکان انتقال سایر درآمدهای حاصل از صادرات نیز دشوار گشت. تحریم بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ارتباط سیستم مالی کشور را با خارج قطع نمود. در نتیجه این وضعیت، ارزش پول ایران به طور اساسی کاهش یافت، کسری بودجه دولت افزایش پیدا کرد؛ هزینه‌های مبادلات و تجارت خارجی به شدت بالا رفت؛ تورم سیر صعودی پرشتابی به خود گرفت؛ بیکاری افزایش پیدا کرد؛ رشد تولید ناخالص داخلی به شدت کاهش یافت و منفی شد و دیگر نماگرهای اقتصادی نیز با افت شدیدی مواجه شدند. در مجموع، بخش‌های مختلف اقتصاد ایران، وضعیت دشواری یافت و این باعث فشارهای قابل توجهی به کشور و مردم شد. علاوه بر این، جمهوری اسلامی ایران به مسئله‌ای امنیتی در نظام بین‌الملل تبدیل شده بود و فضای امنیتی علیه این کشور به شکل بی‌سابقه‌ای تشدید شده و روند آن صعودی بود. تداوم آن شرایط می‌توانست ایران را هم از درون و هم در خارج با خطرات و تهدیداتی جدی و غیرقابل پیش‌بینی مواجه سازد. وضع جمهوری اسلامی ایران هم در داخل به سمت روند نامطلوبی پیش می‌رفت و هم در سیاست خارجی به ویژه در مسائل منطقه، پیچیدگی‌های زیادی پیدا

تبیین استراتژی ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران پس از برجام/ 31

کرده بود. تداوم چنین فضایی می‌توانست پیامدهای نامناسبی برای جمهوری اسلامی ایران در پی داشته باشد.

با روی کار آمدن دولت یازدهم و 23 ماه مذاکره مداوم با نمایندگان ارشد 1+5 و به دنبال دو توافق موقت وین و لوزان، نهایتاً در تیر ماه 1394 ایران به برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) دست یافت که بر اساس آن ضمن حفظ چرخه سوخت، دوره‌ای از محدودیت ده ساله را بر صنایع هسته‌ای خویش در مقابل رفع تحریم‌های بین‌المللی اعمال خواهد کرد.

با توجه به شرایطی که در توافق هسته‌ای ذکر شده جمهوری اسلامی ایران برای بازگشت به وضعیت مطلوب باید یک استراتژی ژئوپلیتیکی و شرح وظایف جدیدی را در سیاست خارجی تعیین و تبیین نماید تا بر اساس آن فرصت‌های از دست رفته را جبران و ضعف‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بر طرف شود و طوری عمل کند که در آینده با توجه به شرایط سخت برجام، با افزایش تعامل با جامعه جهانی و ایجاد پیوندهای اقتصادی و سیاسی با هر منطقه از دنیا که با آن‌ها در ارتباط است بتواند علاوه بر رونق اقتصادی، سیاسی و فرهنگی؛ نفوذ منطقه‌ای و اعتبار بین‌المللی که در نتیجه دو سال گفتگو برای توافق به دست آمده را حفظ نماید.

با توجه به دستاوردها و پیامدهای متعدد برجام، فضایی جدید توأم با نقاط قوت و ضعف، فرصت‌ها و تهدیدات جدیدی پیش‌روی ایران قرار داده که طبیعتاً برای بهره‌گیری از فرصت‌ها و مقابله با تهدیدات و نیز افزایش قدرت ملی و وزن ژئوپلیتیکی نیاز به استراتژی‌هایی دارد که این استراتژی‌ها ناشناخته و تدوین نشده است. بنابر این سوال اصلی این است که مناسب‌ترین استراتژی رفتاری برای جمهوری اسلامی ایران در شرایط پس از برجام چیست؟ تلاش نگارنده بر آن است تا فرصت‌ها، تهدیدها، قوت‌ها و ضعف‌های

برجام را مشخص نماید و در نهایت به تدوین استراتژی‌های ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران پس از برجام بپردازد.

مقاله حاضر، بر اساس نوع تحقیق، کاربردی است. روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی است و از نظر رویکرد آمیخته است. داده‌هایی کمی و کیفی در این مقاله وجود دارد که به صورت ترکیبی مورد بررسی، تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. گردآوری اسناد، مدارک و انجام مصاحبه، کیفی و پرسش‌نامه کمی می‌باشد.

برای گردآوری اطلاعات دو روش در نظر گرفته شده که عبارت است از کتابخانه‌ای (اسنادی) و روش میدانی (پیمایشی). در روش کتابخانه‌ای، مقالات، گزارش‌ها و اطلاعات مورد نیاز از کتابخانه و پایگاه‌های اینترنتی تخصصی استفاده شده و برای تکمیل و تایید این اطلاعات با هفت نفر از صاحب‌نظران یا کارشناسانی که مستقیماً با پرونده هسته‌ای در ارتباط بوده‌اند مصاحبه انجام شده است. در روش پیمایشی، به‌منظور تعیین وزن و اهمیت عوامل محیطی داخلی (نقاط قوت و ضعف) و خارجی (نقاط فرصت و تهدید) برجام و شاخص‌های آن پرسش‌نامه‌ای با استفاده از طیف لیکرت تهیه و نظر 48 نفر از نخبگان و صاحب‌نظران دریافت و با کمک نرم‌افزارهای Excel و SPSS، تجزیه و تحلیل صورت گرفته است. به‌منظور تعیین تأثیر و پایداری متغیرهای مختلف از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده که نتایج آلفای همه فاکتورها 97٪ است.

چارچوب نظری

تحلیل SWOT، مدل تحلیلی مختصر و مفیدی است که به شکل نظام یافته هر یک از عوامل قوت (S)^۱، ضعف (W)^۲، فرصت‌ها (O)^۳ و تهدید (T)^۱ را شناسایی کرده و

-
1. Strength
 2. Weakness
 3. Opportunity

تبیین استراتژی ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران پس از برجام/ 33

استراتژی‌های متناسب به موقعیت کنونی را منعکس می‌سازد. در این مدل، فرصت‌ها و تهدیدها نشان دهنده فرصت‌های مطلوب و چالش‌های نامطلوب عمده‌ای است که در محیط خارجی وجود داشته و در مقابل، قوت‌ها و ضعف‌ها (شایستگی‌ها، توانایی‌ها، مهارت‌ها و کمبودها) وضعیت محیط داخلی مورد مطالعه را به نمایش می‌گذارد (علی‌احمدی و دیگران، 1382: 246).

تجزیه و تحلیل راهبردی مرحله بسیار مهمی در فرآیند برنامه‌ریزی راهبردی محسوب می‌شود. در این مرحله، موقعیت بر اساس قوت و ضعف‌هایی که در محیط درونی و فرصت‌ها و تهدیدهایی که در محیط بیرونی وجود دارد مورد ارزیابی قرار می‌گیرد که حاصل آن در ماتریس تعیین موقعیت و اقدام استراتژیک (SPACE) چهار دسته استراتژی می‌باشد: (علی‌احمدی، همان: 313)

1- تهاجمی^۲

2- رقابتی^۳

3- محافظه‌کار^۴

4- تدافعی^۵

استراتژی ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای با پتانسیل‌های مؤثر بازیگری در عرصه‌های بین‌المللی، ضمن اثرپذیری از دگرگونی‌های روابط بین‌الملل، بدنبال تاثیرگذاری بر روابط و ساختارهای موجود می‌باشد. جغرافیای وسیع و متمایز ایران، منابع عظیم انرژی در داخل و اطراف ایران، ترکیب و کیفیت ساختار جمعیتی جوان و مستعد،

-
1. Threat
 2. Aggressive
 3. competitive
 4. Conservantive
 5. Defensive

انسجام ایدئولوژیکی، عمق و گستردگی حوزه نفوذ فرهنگی، موقعیت منحصر بفرد ژئوپلیتیک با تأثیرات متقابل استراتژیکی بر تحولات منطقه‌ای و سایر مزایای نسبی متعدد از جمله ویژگی‌های شاخص ایران در فضای بین‌المللی است. با این وجود، ثبات و تامین امنیت داخلی و خارجی، رشد و توسعه اقتصادی، ارتباطات گسترده با حوزه‌های نفوذ نرم‌افزاری و تأثیرگذاری بر تحولات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ایران، در شرایطی تحقق می‌یابد که جمهوری اسلامی ایران توسعه پایدار و تعاملات داخلی و خارجی خود را در قالب یک استراتژی جامع و متکی بر واقعیت‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیک با تکیه بر مزیت‌های نسبی کشور، طراحی و تدوین نماید. این مهم از دیدگاه جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک، بیانگر یک طراحی استراتژیکی تحت عنوان استراتژی ژئوپلیتیک می‌باشد که برای تبیین چرایی و چگونگی تدوین آن می‌توان گفت: عبارت از یک جامع‌نگری عملیاتی با نگرش و رویکردهای استراتژیکی است که مبتنی بر واقعیت‌های جغرافیایی مولد قدرت می‌باشد، بنحوی که با نگاهی فراگیر از دور به نزدیک و یا از بالا به پایین، بستر ورود به صحنه‌های قدرت را با حداقل هزینه و در بالاترین سطح ممکن با هدف بازنمایی و تامین بهینه منافع همه جانبه کشور، فراهم نماید.

عمده‌ترین دلایل و شواهد عینی در کشورهای برخوردار از استراتژی ژئوپلیتیک عبارتند از: 1- وجود فضای باز ژئوپلیتیک 2- میزان سرمایه‌گذاری‌های خارجی و بزرگنمایی ابعاد اقتصادی. استراتژی ژئوپلیتیک یک کشور به چگونگی روابط با کشورهای کلیدی و نقش آفرین در نظام بین‌الملل ارتباط دارد که مجموع این کشورها با همه تحولات به‌کمتر از تعداد 30 کشور می‌رسد. بنابر این باز شدن ژئوپلیتیک در گرو ارتباطی مستقیم با این کشورهای کلیدی عضو سازمان ملل است که با این معادله جمهوری اسلامی ایران عملاً فاقد ژئوپلیتیک باز می‌باشد. علت عدم موفقیت ایران در جذب این کشورهای کلیدی این است که متحدین استراتژیک خود را از روی اهداف تاکتیکی آنها انتخاب می‌کند نه از روی

تبیین استراتژی ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران پس از برجام/ 35

اهداف استراتژیکی متقابل. یکی دیگر از دستاوردهای استراتژی ژئوپلیتیک، میزان سرمایه گذاری خارجی است. در این راستا با توجه به اینکه بنیاد اقتصادی ایران بر محور انرژی قرار دارد و بر پایه اهداف استراتژی انرژی که سازمان‌های محدودی (هفت خواهران نفتی) در این عرصه از حداکثر توان مالی برخوردارند، لذا درک این واقعیت‌ها، مستلزم آگاهی کامل از شرایط موجود با تاثیرات گسترده ژئوپلیتیکی آن است که از جمله این تاثیرات، می‌توان به مسائل دریای خزر و بویژه موضوع برداشت از منابع انرژی آن اشاره نمود. بر این اساس، با طرح عبارت ژئواکونومی به عنوان یک مفهوم غالب در قرن 21، کشور ایران در حیطه جغرافیایی و تحت کارکرد آن قرار گرفته است. زیرا حدود جغرافیایی حوزه‌های خزر و خلیج فارس که از آن بانام هارتلند جهان معاصر یاد می‌شود، با محوریت ایران شکل گرفته است (جفری کمپ، 1383: 82)

برای درک واقعیت‌های یک استراتژی مبتنی بر ژئوپلیتیک باید به سه عامل زیر توجه

شود:

1- صحنه بازی که این صحنه در جهان کنونی متمرکز بر قاره آسیا و شامل جنوب غرب، جنوب، جنوب شرق و شرق آن است.

2- بازیگران که عبارت از همان اعضای باشگاه صنعتی جهان هستند و در صورت درک شرایط بین‌المللی، برخی از کشورهای صحنه بازی نیز می‌توانند بازیگر اصلی هم باشند.

3- فرمول یا نوع بازی که دیگر همانند قرن بیستم بر اساس اهداف استراتژیهای نظامی نبوده بلکه بر محور نگرشهای ژئواکونومیکی خواهد بود. چهارچوب استراتژی ژئوپلیتیک ج.ا. ایران در قالب چهار واقعیت تبیین می‌شود: واقعیت اول همان علائق حاکمیت است که از عدم هماهنگی مؤثر با ژئوپلیتیک اسلام برخوردار بوده و این به عنوان آغاز یک مشکل اساسی، بیانگر عدم وحدت جهان اسلام در درون کشورهای اسلامی است. با این شرایط مسأله مهم اینجاست که استراتژی ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران در اولین گام خود برای باز شدن

ژئوپلیتیک با مشکل مواجه می‌شود. واقعیت‌های دیگر این چهارچوب اعم از تهدیدها، ابزار و توجیحات مقابله با تهدیدهاست. لذا با توجه به تهدیدهای سه‌گانه داخلی، مرزی، بین‌المللی و نیز تهدیدهای فاقد مرز و بخصوص با تأکید بر سناریویی که اخیراً ایالات متحده آمریکا با عنوان «بی نظمی آینده» برای منطقه طراحی نموده است؛ پیش بینی می‌شود که مهمترین عامل تهدید برای ج.ا. ایران دارای منشأ داخلی‌بازیربنای اقتصادی باشد. علت این امر آن است که تفکر ژئواکونومی و اهداف آن امروزه در مقیاس‌های گوناگونی اعم از محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی از حالت بالقوه به فعلیت رسیده و این بهترین و مؤثرترین توجیهی است که جمهوری اسلامی ایران می‌تواند برای مقابله با تهدیدها از آن، جهت تدوین استراتژی ژئوپلیتیک بهره برداری نماید، زیرا ژئواکونومی که امروزه از داخل کشورها آغاز شده است، هدفش دستکاری در اهداف اقتصادی برای نیل به اهداف استراتژیک است (رشنو، 1388).

پیشینه برجام

فعالیت‌های هسته‌های ایران در دوران پهلوی دوم و از اواخر دهه 50 میلادی با همکاری ایالات متحده، به‌عنوان بخشی از برنامه «اتم برای صلح» آیزنهاور رئیس‌جمهور ایالات متحده آغاز شد (Jahanpour, 2007) با شروع فعالیت‌های هسته‌های ایران، محمدرضا شاه پهلوی برنامه‌های بلندپروازانه‌ای را برای توسعه و گسترش برنامه هسته‌های ایران در نظر گرفت؛ به‌طوری که در نظر داشت حدود 10 الی 20 راکتور هسته‌های را جهت تولید بیست هزار مگابایت برق هسته‌ای تا سال 1994 راه اندازی کند. فعالیت‌های هسته‌ای ایران و همکاری‌های هسته‌ای حکومت پهلوی با ایالات متحده و اروپایی‌ها ادامه داشت و به‌خوبی پیش می‌رفت تا اینکه با وقوع انقلاب اسلامی ایران در 1979، همه فعالیت‌ها و برنامه‌های هسته‌ای ایران متوقف شد (Kibaroglu, 2007: 225-233).

تبیین استراتژی ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران پس از برجام/ 37

متعاقب پیروزی انقلاب و فسخ یکطرفه قراردادهای تأسیس نیروگاه‌های اتمی از سوی شرکای غربی، تا اواسط دهه 1980 نظام نوپای ایران تلاش‌های علمی بسیاری برای دستیابی به انرژی هسته‌ای غیر نظامی به عمل آورده و همچنین موافقت نامه‌های بلند مدت همکاری با پاکستان و چین به امضا رساند (Shanoon, 2005: 2-3) اما با آغاز جنگ تحمیلی فعالیت‌های هسته‌ای ایران به دلیل شرایط جنگی حاکم بر کشور تقریباً به طور کامل متوقف شد.

پس از پایان جنگ تحمیلی، ایران، خواستار تکمیل نیروگاه بوشهر توسط شرکت پیمانکار آلمانی شد، که البته این درخواست با مخالفت آلمان روبرو شده و به نتیجه نرسید. در 1995 روسیه در چارچوب موافقتنامه 1992 خود با ایران در موضوع همکاری کامل هسته‌ای، تعهد به بازدهی رساندن نیروگاه بوشهر را پذیرفت (Hunter, 2010: 64) در سال 1995 و متعاقب موافقت نامه مذکور، دولت وقت ایران یک قرارداد 800 میلیون دلاری با وزارت انرژی روسیه جهت تکمیل پروژه رآکتور آب سبک در بوشهر به امضا رساند. به رغم مخالفت‌ها و تلاش‌های طولانی ایالات متحده آمریکا برای فسخ این توافق، در 27 فوریه 2005 قراردادی در زمینه عرضه سوخت هسته‌ای میان ایران و روسیه به امضا رسید (Shanoon, 2005: 2-3).

در دولت هشتم (1384 - 1376)، برای اولین بار در آگوست 2003، فرانسه، آلمان و انگلیس خواستار تصویب و پیاده‌سازی پروتکل 2+93، پروتکل‌های الحاقی و نیز متوقف کردن فعالیت‌های غنی‌سازی ایران شدند. آنان در 16 ژوئن 2003 رسماً اعلام کردند که برخی از جنبه‌های برنامه هسته‌ای ایران موجب افزایش نگرانی‌های جدی شده است. (Hunter, 2010: 89-90)

به دنبال ناکامی در نتایج سعدآباد و موکول شدن موضوع به توافقنامه بروکسل که طی آن از ایران خواسته شد که در ازای بسته شدن پرونده، ساخت و مونتاژ قطعات سانتریفیوژ رابه صورت تعلیق درآورد، در کنار کشف آلودگی‌های هسته‌ای در برخی تأسیسات ایران و

همچنین انتشار گزارش آژانس مبنی بر کاسته شدن از حجم گاز هگزافلوراید ایران همه‌وهمه موجب شد تا طرفین بار دیگر در 15 آبان 1383 برای حل و فصل موضوعات باقی مانده در قالب توافق پاریس اولاً بر دستاوردهای توافق سعد آباد تأکید کرده و از آن گذشته ایران دامنه تعلیق را به تمام فعالیت‌های هسته‌های خود تسری داد. اما این اقدام هم راه به جایی نبرده و اروپا با درخواست تعلیق مذاکرات تا پس از انتخابات ریاست جمهوری ایران عملاً حصول توافق را ناممکن ساخته و در نهایت طرح خود را در 14 مرداد 1384 به مقامات ایرانی تحویل داد که در دولت احمدی نژاد پذیرفته نشد (دهقانی فیروزآبادی، 1389: 504).

با انتخاب محمود احمدی نژاد به ریاست جمهوری در تیر 1384 در کنار سلسله اقداماتی نظیر راه اندازی مجدد مجتمع UCF اصفهان از سوی دولت هشتم در ماه‌های پایانی و همچنین به علت شرایط متشنج حاکم بر پرونده هسته‌های ایران، موضوع هسته‌های خط قرمز دولت و شورای عالی امنیت ملی قلمداد شد (غریب آبادی، 1388: 123) و بر همین اساس بود که با وجود تحریم‌های مختلف از سوی گروه 5+1، ایران روند هسته‌های شدن خود را با جدیت بیشتر ادامه داد. نتیجه به هیچ روی چیزی نبود که ایران خواهان آن باشد؛ شورای حکام در دی 1384 ده قطعنامه، شانزده گزارش مدیر کل و سایر بیانیه‌های صادره در اجلاس مارس رابه شورای امنیت ارسال نمود و نهایتاً نخستین قطعنامه شورای امنیت علیه برنامه هسته‌های ایران یعنی قطعنامه 1696 به تصویب اعضاء رسید و بر اساس آن، فعالیت هسته‌های ایران ذیل فصل هفتم منشور و مشخصاً ماده 41 منشور ملل متحد قرار گرفت (فلاحی، 1386: 98).

متعاقب ارجاع موضوع برنامه هسته‌های ایران به شورای امنیت سازمان ملل متحد در سال 2006، شورای امنیت طی 4 سال، اقدام به صدور 6 قطعنامه تحریمی علیه ایران نمود که در آنها ایران مکلف به تعلیق برنامه هسته‌های خود شامل چرخه غنی سازی، تحقیق و توسعه، راکتور اراک و سایر برنامه‌های مرتبط شده بود. در این قطعنامه‌ها که با استناد به ماده 41 از

تبیین استراتژی ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران پس از برجام/ 39

فصل هفتم منشور ملل متحد تصویب شد، طیف گسترده‌ای از تحریم‌ها و محدودیت‌های مالی، بانکی، اقتصادی، حمل‌ونقل و بیمه‌ای علیه ایران اعمال گردید. با روی کار آمدن دولت یازدهم و 23 ماه مذاکره مداوم با نمایندگان ارشد 1+5 و به دنبال دو توافق موقت وین و لوزان، نهایتاً جمهوری اسلامی ایران در تیرماه 1394 به برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) دست یافت (ابوالحسن شیرازی، 1394: 38).

تدوین استراتژی‌ها

الف) تعیین وزن iFE¹ (ضعف‌ها، قوت‌ها) و EFE² (فرصت‌ها و تهدیدها)
بر اساس نظر خبرگان، وزن عوامل داخلی (ضعف‌ها و قوت‌ها) به شرح زیر می‌باشد:

-
1. internal factors evolution
 2. external factors evolution

جدول 1: ماتریس ارزیابی عوامل داخلی

توضیحات	امتیاز وزن دار	امتیاز وضع موجود	وزن (اهمیت)	شاخص‌ها	
	0.15	2.67	٪5.6	کنترل نقدینگی و کاهش تورم	3-9 (9)
	0.09	1.96	٪4.4	کاهش نرخ سود سپرده و تسهیلات	
	0.20	3.06	٪6.4	افزایش تولید نفت، گاز و پتروشیمی	
	0.17	2.77	٪6.0	بهبود روابط دولت - ملت	
	0.15	2.73	٪5.5	کمک به فرایند امنیتی زدایی از جامعه	
	0.15	2.60	٪5.8	افزایش نشاط و امید سیاسی	
	0.17	2.75	٪6.2	جایگزینی دیپلماسی به جای تهدید و زور	
	0.16	2.90	٪5.6	بسته شدن موضوع PMD	
	0.13	2.46	٪5.4	رفع سایه جنگ	
	0.13	2.23	٪5.6	رفع تحریم ها و شتاب حرکت اقتصادی ایران	
	0.15	2.54	٪5.7	افزایش قدرت نرم ایران	3-9 (9)
1.80	0.16	2.81	٪5.8	افزایش اعتماد به نفس در دستگاه سیاست خارجی	
	-0.16	2.81	٪5.9	عدم انسجام استراتژیک و دو قطبی شدن محیط سیاسی	
	-0.13	2.48	٪5.3	عدم استفاده به موقع از فرصت‌های موجود آمده	
	-0.12	2.31	٪5.0	هدر رفتن میلیاردها دلار سرمایه ایران	
	-0.11	2.34	٪4.8	فرصت‌سوزی ایران در زمان دموکرات‌ها	
	-0.14	2.53	٪5.7	عدم وحدت رویه در سیاست منطقه‌ای و بین‌المللی ایران	
-0.78	-0.11	2.13	٪5.2	متفاوت بودن سیاست‌های اعلامی و اعمالی ایران در منطقه و جهان	
	1.02		٪100	مجموع (نمره نهایی)	

وزن عوامل خارجی (فرصت‌ها و تهدیدات) به شرح زیر می‌باشد:

توضیحات	امتیاز وزن‌دار	امتیاز وضع موجود	وزن (اهمیت)	عوامل خارجی
	0.07	3.3	٪2.1	خروج ایران از چهارچوب مقررات فصل هفتم منشور سازمان ملل
	0.06	3.1	٪2.0	اثبات حقانیت و مشروعیت بین‌المللی برنامه هسته ای
	0.04	2.4	٪1.8	کاهش فشارها و تحریم‌های بین‌المللی
	0.05	2.6	٪1.8	تقویت چند جانبه‌گرایی ایران
	0.03	2.1	٪1.5	تقویت نظام عدم اشاعه هسته‌ای و جلوگیری از رقابت بین بازیگران منطقه ای
	0.04	2.4	٪1.8	اتصال مجدد به سوئیفت و امکان گشایش اعتباری
	0.05	2.7	٪1.9	لغو تحریم‌های شورای امنیت و اتحادیه اروپا مرتبط با فعالیت‌های هسته ای
	0.03	2.0	٪1.5	پیوستن به نظام پرداخت یورو
	0.05	2.8	٪1.8	برقراری مجدد بیمه کشتی‌های تجاری و نفتی
	0.04	2.4	٪1.7	ورود شرکت‌های بزرگ بیمه‌ای به ایران
	0.04	2.1	٪1.7	شروع به کار مجدد شعب بانک‌های ایران در خارج
	0.04	2.3	٪1.8	آزاد شدن حساب‌های بانک مرکزی در کشورهای خارج
	0.04	2.1	٪1.7	ایجاد روابط کارگزاری بانکی
	0.05	2.6	٪1.9	گسترش و تسهیل روابط تجاری با کشورهای
	0.03	1.9	٪1.7	تسهیل عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی
	0.04	2.1	٪1.8	گسترش بازارهای صادراتی
	0.03	2.0	٪1.7	تاسیس دفاتر تجاری کشورهای اروپایی در ایران
	0.05	2.3	٪2.0	جذب سرمایه گذاری خارجی
	0.03	2.0	٪1.7	الزام دولت های پیشرفته به همکاری با ایران در زمینه های صلح آمیز هسته ای

مجموع

	0.03	2.0	%1.7	تسهیل و تسریع همکاری های بین المللی در زمینه تحقیق و توسعه هسته‌ای
	0.04	2.4	%1.7	رفع موانع و تسهیل همکاری فنی ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی
	0.04	2.5	%1.7	تسهیل و توسعه همکاری های علمی و فنی آژانس با ایران
توضیحات	امتیاز وزن دار	امتیاز وضع موجود	وزن (اهمیت)	عوامل خارجی
	0.04	2.4	%1.7	توسعه همکاری های بین المللی در زمینه انرژی اتمی
	0.03	1.8	%1.5	تقویت همکاری نظامی با سایر کشورها
	0.04	2.3	%1.6	تقویت محور مبارزه با تروریسم
	0.05	2.6	%1.9	تضعیف پروژه ایران هراسی
	0.04	2.4	%1.9	افزایش مشارکت ایران در نظم ژئوپلیتیکی منطقه
	0.03	1.8	%1.7	غیر امنیتی شده فضای منطقه ای و بین المللی
	0.03	1.8	%1.7	تقویت ثبات و نظم منطقه ای
	0.04	2.2	%1.7	کاهش وزن استراتژیک گروه های تروریستی
	0.04	2.3	%1.8	تغییر شکاف بین بازیگران منطقه ای به نفع ایران
	0.04	2.3	%1.6	تقویت محور مقاومت
	0.03	2.1	%1.6	تسهیل عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای
	0.04	2.2	%1.7	تغییر توازن قدرت منطقه ای به نفع ایران
	0.04	2.4	%1.7	شکسته شدن بن بست استراتژیک ایران
	0.04	2.5	%1.8	قرار گرفتن ایران در مسیر غیر امنیتی و ارائه تصویری مثبت از ایران در منطقه
	0.05	2.6	%1.8	ارتقاء ظرفیت دیپلماسی ایران جهت تعقیب منافع ملی در منطقه و جهان
	0.05	2.5	%1.8	کاهش زمینه سوء استفاده دشمنان ایران از تنش در روابط ایران و غرب
	0.04	2.4	%1.8	ایجاد شکاف در کشورهای غربی و بوجود آمدن یک قطب همسو برای ایران
	0.04	2.5	%1.7	جلوگیری از پروژه حذف رسمی و غیر رسمی ایران از ژئوپلیتیک منطقه

تبیین استراتژی ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران پس از برجام / 43

	0.05	2.6	%1.8	بازگشت آرام ایران به جامعه بین الملل	
	0.05	2.8	%1.8	تقویت جایگاه ایران در معادلات اپک نفتی و گازی	
	0.06	3.2	%1.9	افزایش صادرات نفت، گاز و پتروشیمی	
	0.03	1.9	%1.5	مدرن سازی راکتور آب سنگین اراک	
	0.05	2.8	%1.8	تثبیت اعمال حق ایران در زمینه غنی سازی هسته‌های صلح آمیز	
	0.04	2.4	%1.7	تثبیت حقوق ایران در تولید آب سنگین و مبادله تجاری آن	
	1.95	0.03	2.1	%1.6	
توضیحات	امتیاز وزن دار	امتیاز وضع موجود	وزن (اهمیت)	عوامل خارجی	
	-0.06	3.1	%1.9	ائتلاف عربستان و اسرائیل	تهدیدها
	-0.06	3.2	%1.9	افزایش تنش‌ها با عربستان و برخی کشورهای منطقه	
	-0.05	2.8	%1.8	عدم برداشت و تصور صحیح از ایران در بین دولت‌مردان آمریکایی	
	-0.05	3.0	%1.8	ارتباط دهی برجام با برنامه موشکی	
	-0.03	2.3	%1.5	آرامش خاطر در رقبای منطقه‌ای به سبب کانالیزه شدن فعالیت‌های هسته‌های ایران	
	-0.03	2.0	%1.4	زمینه سازی برای گام برداشتن در شکل گیری برجام 2، 3 و... در نتیجه کاهش نفوذ منطقه ای ایران	
	-0.03	2.0	%1.4	نگرانی از احتمال رخنه و نفوذ در پرتو برجام	
	-0.03	2.2	%1.6	جاسوسی از برنامه‌های نظامی ایران به بهانه بازرسی هسته‌ای	
	-0.03	2.0	%1.4	القای عقب نشینی و سازش ایران در مقابل غرب	
	-0.03	2.2	%1.4	افزایش قدرت چانه زنی رقبای منطقه‌ای و جهانی ایران	
	-0.46	-0.05	2.8	%1.8	
	1.49		%100	مجموع (نمره نهایی)	

بر اساس محاسبات صورت گرفته، مجموع امتیاز وزن دار نقاط قوت برابر 1.8 و مجموع امتیاز وزن دار نقاط ضعف برابر 0.78- بدست آمده که برای تعیین موقعیت حال حاضر بر روی محور عمودی (نقاط قوت و نقاط ضعف) این دو مقدار بایکدیگر جمع می‌گردند که عدد حاصل برابر 1.02 می‌باشد.

$$1.02 = 1.80 + (-0.78) \text{ موقعیت بر روی محور عمود (قوت‌ها و ضعف‌ها)}$$

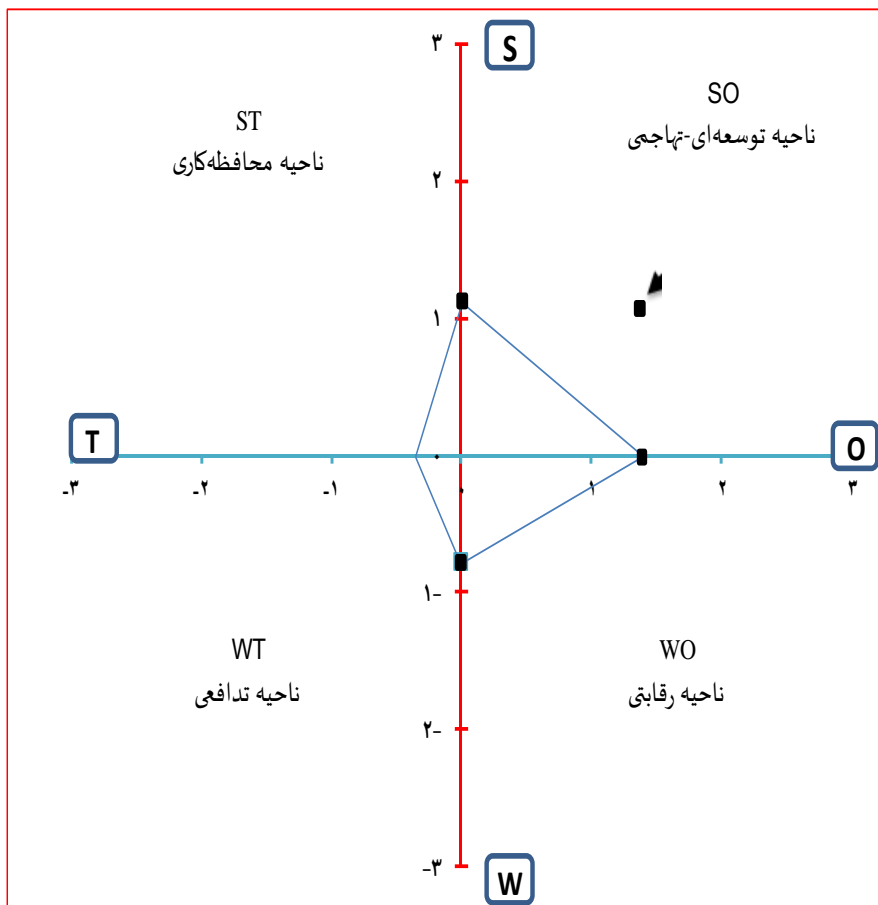
مجموع امتیاز وزن دار فرصت‌ها برابر 1.95 و مجموع امتیاز وزن دار تهدیدها برابر 0.46- به دست آمده که برای تعیین موقعیت حال حاضر بر روی محور فرصت‌ها و تهدیدها این دو مقدار بایکدیگر جمع می‌گردند که عدد حاصل برابر 1.49 می‌باشد.

$$1.49 = 1.95 + (-0.46) \text{ موقعیت بر روی محور افقی (فرصت‌ها و تهدیدها)}$$

ب) تعیین موقعیت و اقدام استراتژیک (SPACE)

بنابر محاسبات انجام شده بر اساس داده‌ها، نمودار موقعیت استراتژیک جمهوری اسلامی ایران پس از برجام به شرح زیر تعیین می‌گردد. جمع جبری میانگین‌های امتیاز قوت‌ها و ضعف‌ها، موقعیت را روی محور SW تعیین می‌نماید که پس از جمع جبری، عدد 1/02 بدست می‌آید.

جمع جبری میانگین امتیاز فرصت‌ها و تهدیدات موقعیت را روی محور OT تعیین می‌نماید که پس از جمع جبری عدد 1/49 به دست می‌آید.



ارزیابی موقعیت استراتژیک ایران پس از برجام

میانگین قوت‌ها و ضعف‌ها (عوامل داخلی) از حد متوسط بالاتر و برتری بانقاط قوت است. در مقابل، میانگین فرصت‌ها و تهدیدات از حد متوسط بالاتر است که نشان دهنده وجود فرصت‌های بیشتر و مؤثرتر نسبت به تهدیدات است. نتیجه اینکه، واقع شدن نقطه P در ماتریس

space ناحیه SO یا ناحیه توسعه‌ای-تهاجمی را نشان می‌دهد که بایستی استراتژی‌های متناسب با ناحیه را پیشنهاد داد.

ج) ارائه استراتژی‌های ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران پس از برجام

با توجه به واقع شدن موقعیت ایران در ناحیه توسعه‌ای-تهاجمی و با استفاده از ظرفیت‌های داخلی و فرصت‌های به وجود آمده در محیط پیرامونی، جمهوری اسلامی ایران جهت دستیابی به اهداف و منافع ملی و ارتقاء وزن ژئوپلیتیک خود بایستی استراتژی‌های ژئوپلیتیکی خود را به شرح زیر تدوین و اعمال نماید:

1- تعیین کد ژئوپلیتیکی با استفاده از مقدرات ملی و حوزه پیرامونی جمهوری اسلامی

ایران: ایران، بایستی از فرصت‌های به وجود آمده و با توجه به ظرفیت‌های داخلی و حوزه پیرامونی، کد ژئوپلیتیکی خود را تعیین کند. طبیعی است که کد ایران نمی‌تواند یک کد داخلی و محلی باشد. یعنی با حوزه منطقی‌های خود توجهی نداشته و صرفاً به مسائل داخلی پردازد. حوادث بی‌شمار منطقه‌ای که امنیت و توسعه ایران با آن گره خورده، اجازه نمی‌دهد که ایران چنین کدی را انتخاب کند. همچنانکه نمی‌تواند کدی جهانی و بین‌المللی داشته باشد و خود را قدرت جهانی بداند. حداقل در شرایط فعلی، چنین ظرفیتی در خود نمی‌بیند. با توجه به سابقه تمدنی ایران، وسعت کشور، جمعیت مناسب، منابع قابل توجه، قرار گرفتن در یک منطقه استراتژیک، حوزه نفوذ پیرامونی، همسایه‌های متعدد، نزدیکی به بازارهای مصرف انرژی و... باید کدی منطقه‌ای داشته باشد که اتفاقاً در برنامه چشم‌اندازی که قبلاً نیز تدوین شده با چنین رویکردی به جمهوری اسلامی ایران نگریسته شده است.

2- ارتقاء سطح معیشت جامعه ایران به منظور تحکیم و تقویت بنیادهای قدرت ملی: برجام

علاوه بر آزاد نمودن ایران از فضای تحریم‌های اقتصادی و انزوای سیاسی، برای جمهوری اسلامی ایران برای تقویت بنیادهای قدرت خود فراهم آورده که می‌تواند به رفع ضعف‌ها و کاستی‌های موجود و تحکیم پایه‌های قدرت ملی منجر شود. مهم‌ترین اهرم

ایران در مقابل رقبا و مخالفین منطقه‌ای و بین‌المللی، راضی بودن و امیدوار بودن مردم ایران از زندگی است. مهم‌ترین پایه امنیت ملی ایران، راضی بودن مردم است که با تداوم کنترل نقدینگی و کاهش تورم بوجود آمده پس از برجام، فرصت‌های بیشتری را برای تحکیم بنیادهای قدرت ملی ایران فراهم نموده است.

3- ارتقاء توان دیپلماتیک و تداوم بازی برد - برد در جهت حل و فصل مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی: تجربه برجام نشان داد جمهوری اسلامی ایران از توان دیپلماتیک بسیار خوبی برخوردار است و برای تأمین منافع و امنیت ملی می‌تواند با اعتماد به نفس بالا در موضوعات گوناگون با قدرت‌های بزرگ جهان وارد مذاکره و تعامل متوازن شود. این تعامل متوازن نیازمند بازاندیشی در نگرش و رویکرد خود به نظام بین‌الملل است. قواعد بازی در نظام بین‌الملل تا حدود بسیار زیادی تغییر کرده و بازی برد-باخت تقریباً دیگر امکان‌پذیر نیست.

دولتمردان جمهوری اسلامی ایران باید این نکته را مد نظر داشته باشند که اگر قرار باشد منابع و ظرفیت‌های باقی‌مانده کشور بعد از رهایی از مسئله هسته‌ای، در مسیرهای بحران دیگری درگیر شود، ممکن است مملکت کشش لازم را نداشته باشد و با تهدیدات و خطرات جدی مواجه شود. وقتی مذاکره و مصالحه توانسته به یکی از مهم‌ترین مسائل کشور پایان دهد، در صورت امکان، چرا نباید در دیگر حوزه‌هایی که کشورمان با مشکل روبه‌روست از چنین ظرفیتی استفاده کرد؟ چرا نباید از چنین ظرفیتی به جای مسیرهای پرهزینه بهره برد؟

4- ایجاد توازن بین توانایی‌های ملی و میزان تعهدات منطقه‌ای جهت تقویت پرستیژ ملی و منطقه‌ای: به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی باید بیشتر در مورد میزان تعهداتی که در مسائل منطقه می‌پذیرد مراقب باشد؛ چون با توجه به تجارب موجود، ممکن است برخی هزینه‌هایی که در منطقه صرف می‌شود، بازدهی لازم را نداشته باشد و این در بلند مدت برای کشور مشکل ایجاد کند. به هر حال، لازم است میان توانایی‌های ملی و میزان تعهدات، توازن

وجود داشته باشد. تاریخ نشان داده نادیده گرفتن این مسئله، می‌تواند هزینه‌های گزافی داشته باشد. سرنوشت شوروی نمونه بارزی در این مورد است.

5- تقویت دیپلماسی اقتصادی متناسب با موقعیت ژئوپلیتیکی ایران به منظور تأثیرگذاری بر تحولات ژئواکونومیک منطقه‌ای و جهانی: وضعیت اقتصادی داخلی و جایگاه اقتصادی کشور در جهان به‌هیچ وجه با توانایی‌های بالقوه و بالفعل جامعه ایرانی همخوانی ندارد. از جمله اقداماتی که باید پس از برجام تقویت شود دیپلماسی اقتصادی است. لزوم دیپلماسی قوی اقتصادی متناسب ملزومات هزاره سوم یک ضرورت اجتناب ناپذیر است.

برخی اعتقاد دارند که سیاست بین‌الملل مبتنی بر ژئوپلیتیک به تدریج جای خود را به ژئواکونومیک داده است. در فرایند جهانی شدن، اقتصاد محوریت دارد و با وابستگی متقابل روز افزون اقتصادی، ارتباط بازارهای مالی، جریان آزاد سرمایه و پول، قدرت‌گیری شرکت‌های چند ملیتی و تأثیر روز افزون نهادهای اقتصاد بین‌الملل، شرایطی شکل گرفته که اقتصاد اولویت اول در سلسله مراتب اهداف ملی گردیده است.

در گردش روابط اقتصادی با دیگر کشورهای جهان، هماهنگی میان دستگاه‌های سیاسی و اقتصادی بسیار تأثیرگذار است. وزارت امور خارجه، امور اقتصادی و دارایی، نفت، صنایع، بازرگانی، کشور و نهادهای اقتصادی کشور همگی باید دارای هماهنگی و برنامه‌های منسجم و مرتبطی در زمینه روابط اقتصادی خارجی با دیگر کشورها و سرمایه‌گذاران خارجی باشند و نقش جدید وزارت خارجه به عنوان هماهنگ‌کننده دستگاه‌های مذکور فعال‌تر شود.

ایران بایستی ارتباط گسترده و شایسته‌ای با سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی اقتصادی سازمان تجارت جهانی، آنکتاد، صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی که وظیفه مدیریت، تعادل بخشی، کنترل و تسهیل اقتصاد بین‌الملل و ادامه رشد اقتصاد جهانی و انتفاع تمامی کشورها را بر عهده دارند داشته باشد. در طول سال‌های گذشته روابط بین نهادها و بانک‌های

تبیین استراتژی ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران پس از برجام/ 49

بین‌المللی، قانون‌مدارتر و با پیچیدگی‌های بسیاری همراه بوده است. آنچه در شرایط گذر از تحریم برای سیستم کشور ضرورت دارد، اعتمادسازی و هماهنگ‌سازی خود با قوانین بین‌الملل است. هر چه میزان ارتباط ایران با بانک‌ها، سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی افزایش یابد، استفاده از تسهیلات و امکانات این نهادها، می‌تواند چهره بهتری برای اقتصاد کشور ایجاد کند.

ایران با تقویت دیپلماسی اقتصادی باید بتواند سرمایه‌گذاران خارجی را برای سرمایه‌گذاری در ایران اقناع کند. دیپلماسی خارجی باید بتواند با پررنگ کردن فرصت‌های ایران چون ژئوپلیتیک منحصربه‌فرد، منابع نامحدود خداداد، نیروی کار ارزان و ماهر، بازار پر جمعیت داخلی و بازارهای پرجمعیت و پر مصرف در نواحی مجاور، سرمایه‌گذاران خارجی را برای حضور در ایران ترغیب کند.

6- سرمایه‌گذاری خارجی در بخش‌های نفت و گاز جهت ارتقاء موقعیت ایران در معادلات انرژی منطقه‌ای و جهان: جلب و توسعه سرمایه‌گذاری خارجی و استقرار آن در قلمرو جغرافیایی کشورها علاوه بر توسعه، زمینه‌ساز امنیت ملی آن‌هاست. زیرا به‌هنگام خطر و تهدید، دولت‌های سرمایه‌گذار برای حفاظت از سرمایه‌های اتباع خود در کشور مورد هدف تهدید، وارد عمل می‌شوند و به عنوان نیروی بازدارنده در فرآیندهای سیاسی، بین‌المللی و حتی عملیاتی اقدام می‌کنند.

ایران به دلیل پیامدهای هشت سال چالش‌خشن و تحریم اقتصادی به شدت به بازسازی اقتصادی و ساماندهی روند توسعه و فراگیر ملی خود نیازمند است. این نیاز، تجدید و توسعه روابط با کشورهای قدرتمند جهان و تبادل ظرفیت‌های اقتصادی و تکنولوژیک را ضروری می‌داند. یکی از عوامل مهم تأثیرگذار بر امنیت ملی ایران، منابع نفت و گاز است. در بازار جهانی انرژی، ایران از دو نظر در کانون توجه و مرکز تعاملات بین‌المللی قرار دارد: اول موقعیت ژئوپلیتیک کشور و قرار گرفتن در کانون بیضی انرژی جهان، دوم، نقش حیاتی

ایران در امنیت جهانی انرژی. داشتن نقش اساسی در تأمین انرژی جهانی، ضامن درآمدهای کافی برای توسعه کشور بوده و امنیت ملی کشور را نیز تضمین خواهد کرد. صنایع نفت و گاز ایران نیازمند سرمایه‌گذاری در بخش‌های قبلی و حوزه‌های جدید است که هر کدام به میلیاردها دلار سرمایه‌گذاری خارجی نیاز دارد.

7- چندجانبه‌گرایی و ایجاد روابط متوازن و گسترده با همه کشورها و کنش‌گران بین‌المللی به

منظور افزایش دستاوردها و کاهش هزینه‌ها: شرق‌گرایی و غرب‌گرایی یا تمایل به شرق یا غرب، نتایج چندانی برای کشورمان نداشته و یا تجارتي که در این مورد وجود دارد، بهتر است به رابطهای متوازن با کشورهای مختلف (البته با رعایت ملاحظات کلان سیاست خارجی) فکر شود. شرق و غرب سیاسی دیگر معنا ندارد و واقعیت این است که بخش‌های مختلف جهان از جنبه‌های مختلف برای جمهوری اسلامی ایران مهم هستند و ارتباط سازنده با هر بخشی یا کشوری، می‌تواند منافع مشخصی را در پی داشته باشد. تأمین کم‌هزینه نیازها و منافع جمهوری اسلامی ایران در گرو روابط متوازن و گسترده با همه کشورها و کنش‌گران بین‌المللی است. پیوند با یکی و گسست از دیگری در روابط بین‌الملل به معنای افزایش هزینه‌ها و کاهش دستاوردهاست.

8- تداوم سیاست مدارا و همکاری با ترکیه به منظور مرتفع نمودن موانع و مشکلات منطقه‌ای:

ترکیه به عنوان یکی از بازیگران قدرتمند سیاسی و نظامی و تأثیرگذار خاورمیانه به دنبال بهره‌برداری حداکثری از برجام است. ترکیه و ایران در مواردی از مسائل منطقه مانند درگیری‌های سوریه و عراق دچار اختلاف نظر هستند. لیکن با تمام این اوصاف در نهایت برای یکدیگر به عنوان دو کشور دوست محسوب شده و برای حل مسائل مستقیم‌شان چشم به گزینه‌های دیپلماتیک و برای حل مسالمت‌آمیز و به دور از افراط‌گری به کمک یکدیگر نیازمندند. در بعد اقتصادی نیز عادی‌سازی مرادات اقتصادی ایران و اتحادیه اروپا نیز مسبب شرایط اقتصادی ویژه‌ای برای ترکیه خواهد بود. شرایطی که در وهله‌ی

تبیین استراتژی ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران پس از برجام/ 51

اول به دلیل شرایط جغرافیایی و در وهله دوم بعلت مرادوات دیپلماتیک میان ترکیه و اتحادیه اروپا می باشد.

ترکیه همچنین میزبان خطوط انتقال گاز نوباکو و پارس است که وظیفه انتقال گاز ایران از منابع پارس جنوبی و دریای کاسپین به اروپا را به عهده دارد. عادی سازی مرادوات ایران و اروپا به معنای انتقال بیشتر گاز و به تبع آن حق تزانیت برای ترکیه خواهد بود. ترکیه کشوری است که از قدرت نظامی و اقتصادی بالایی در منطقه برخوردار است و ایران همکاری گسترده ای با آن دارد و می تواند بسیاری از مشکلات ایران را حل کند. ایران نسبت به ترکیه بایستی سیاست مدارا را در پیش گیرد و ضمن حفظ اقتدار خود نباید عجله ای در واکنش به اقدامات ترکیه از خود نشان دهد. اگر با ترکیه دچار تنش شود، مخالفین ایران در آذربایجان و مخالفین ترکیه (پ ک ک) تقویت می شوند که باعث افزایش وزن ژئوپلیتیکی پ ک ک و به خطر افتادن حاکمیت سرزمین ایران و ترکیه می شود. ایران باید با گفتگو و بالا بردن حجم معاملات اقتصادی از ترکیه امتیازات بیشتری بگیرد و به ترکیه اطمینان دهد که منافعش در سوریه و عراق محفوظ و با ماندن اسد در منافع آن ها خللی ایجاد نمی شود.

1- پیوند نیازهای هند به فضا و انرژی ایران جهت ارتقاء وزن ژئوپلیتیکی

وابسته کردن دیگران به فضای کشور موجب امنیت، قدرت، منزلت و بهبود وضعیت ژئوپلیتیکی کشور در سیستم منطقه ای و جهانی می شود. کشور وابسته کننده از ابتکار عمل برخوردار می شود و قدرت شکل دادن به فرایندهای فی مابین را خواهد داشت.

ایران سه حوزه بزرگ ذخایر انرژی جهان یعنی خلیج فارس، سیبری غربی و آسیای مرکزی را به هم ارتباط می دهد. از جنبه مصرف انرژی نیز، ایران محل انتقال دو حوزه بزرگ مصرف انرژی یعنی هند و چین در شرق و اروپا در غرب واقع شده است. این

ویژگی دوگانه باعث شده که امنیت ایران و محیط پیرامونش برای نظام بین‌الملل اهمیت مضاعفی پیدا کند.

هند پنجمین مصرف‌کننده بزرگ انرژی در دنیا است و در آینده به سومین مصرف‌کننده بزرگ انرژی پس از آمریکا و چین مبدل می‌گردد. اما این کشور تنها 4% از ذخایر نفت اثبات شده دنیا را داراست. بنابراین رشد مصرف و رشد اقتصاد در کنار رشد 5 درصدی مصرف گاز طبیعی و وابستگی مدام به نفت وارداتی باعث شده است تا به‌خاورمیانه و ایران نگاهی استراتژیک داشته باشند. در واقع هر چند روابط انرژی دو کشور در سال‌های گذشته تحت تأثیر تحریم و فشار غرب بوده است؛ اما از آنجا که هندوستان هم‌چنان به ایران به‌عنوان منبعی جهت تأمین انرژی خود می‌نگرد و دو کشور می‌توانند در راستای تنوع‌سازی بازارهای صادراتی و وارداتی انرژی خود و جلوگیری از وابستگی به چند کشور ویژه، روابط را در زمینه انتقال انرژی از جمله در صنایع گاز و نفت گسترش دهند.

هندوستان و ایران منافع مشترک فراوان منطقه‌ای داشته‌اند. هر دو کشور از اتحاد شمال در برابر طالبان طی سال‌های 2001 - 1996 حمایت کردند. هندوستان به‌عنوان قدرت منطقه‌ای در شبه قاره هند منافع استراتژیکی در ثبات امنیت افغانستان دارد و دو کشور نقش مهمی در بازسازی و توسعه افغانستان داشته‌اند. در حوزه آسیای مرکزی نیز منافع مشترکی دارند و در واقع گسترش بنادر ایران به هندوستان کمک می‌کند تا به بازارهای مصرف کالا و منابع انرژی منطقه دسترسی یابد. هم‌چنین عضویت دائم هند و عضویت ایران به‌عنوان ششمین عضو ناظر در سارک، عضویت دو کشور در پیمان همکاری شانگهای، عضویت هند در بریکس (برزیل - روسیه - چین - هند - آفریقای جنوبی) جدا از بسترسازی برای دستیابی به بازارهای اقتصادی سارک می‌تواند به ارتقاء موقعیت استراتژیک ایران کمک کند. این در حالی است که هند دارای مؤلفه‌های اصلی قدرت یعنی گستردگی، جمعیت و قدرت نظامی بوده و اندیشه تبدیل شدن به قدرتی بزرگ در سطح

تبیین استراتژی ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران پس از برجام/ 53

جهان و کسب حق و تودرشورای امنیت را در سر می‌پروراند، این امر می‌تواند به ایران در سوق دادن جهان تک قطبی به چند قطبی کمک کند.

هند با برخورداری از منابع کلان طبیعی و انسانی، یک اقتصاد روبه‌رشد و جغرافیایی که در محیط امنیتی و استراتژیک ایران قرار می‌گیرد، یکی از مهم‌ترین گزینه‌ها برای برقراری روابط پایدار و قابل اتکا سیاسی برای ایران به‌شمار می‌آید. با این حال، ظرفیت‌های اقتصادی، تجاری و فرهنگی و نیز تلاش‌های دیپلماتیک، اکنون به برقراری یک رابطه سیاسی پایدار و قابل اعتماد میان دو کشور از همکاری با ایران (بویژه در ایجاد خط لوله صلح) باید به‌وجود برداشت‌های متفاوت از مشارکت استراتژیک میان ایران و هند اشاره داشت. درحالی‌که ایران از مشارکت با هند در پی برقرار ساختن نوعی موازنه نرم در برابر ایالات متحده بود، از دید هند مشارکت با ایران بر اساس مجموعه‌ای از دلایل غیر از موازنه‌سازی در برابر آمریکا صورت می‌پذیرفت. پس از برجام و رفع بسیاری از موانع در برقراری ارتباط هند با ایران، نیاز روز افزون هند به انرژی، توسعه چابهار و دسترسی هند به آسیای مرکزی در رقابت با پاکستان و چین، حوزه‌های جدیدی را برای همکاری با ایران فراهم نموده است. هند می‌تواند در زمینه توسعه پر شتاب در زمینه فن‌آوری اطلاعات و داروسازی الگو باشد. بخش خصوصی هند، بانک‌ها و شرکت‌های بزرگ این کشور می‌توانند دسترسی به فن‌آوری، تسهیلات اعتباری و دانش تخصصی را در اختیار شرکای ایرانی خود قرار دهند و ایران نیز می‌تواند به‌عنوان شریکی ثابت و قابل اعتماد برای کالاها و خدمات هند در آسیای غربی نقش ایفا کند.

در حالی‌که ایران و هند به توسعه همکاری خود در بخش‌های متنوعی ادامه می‌دهند، هر دو کشور باید مراقب باشند روابط کنونی خود را بر اساس متغیرهای موجود بر هم نزنند. روابط با کشورهای عرب حوزه خلیج فارس و اسرائیل برای هند به آن اندازه مهم است که روابط با پاکستان و چین برای ایران اهمیت دارد.

2- گسترش روابط با شرق دور به منظور افزایش گزینه‌های کنش استراتژیک و تأمین امنیت پایدار در قالب پارادایم ژئواکونومی آسیایی

مناقشات قومی، مذهبی، تروریسم، فروپاشی دولت‌ها، جنگ‌های داخلی و... ماهیتی تصاعدی و مسری و تصویری از درگیری‌های بی‌انتها را در جنوب غرب آسیا ترسیم می‌کنند؛ به نحوی که صحبت کردن از همکاری و به ویژه همکاری اقتصادی و همگرایی و ایجاد نظم منطقه‌ای مبتنی بر همیاری در چنین شرایطی فعلاً میسر نیست. اگر نیم‌نگاهی به خارج از جنوب غرب آسیا بیاندازیم، مناطقی همچون جنوب شرق و شرق آسیا را می‌بینیم که اساساً با منطق ژئواکونومیک، چارچوب همکاری و رقابت رابه‌گونه‌های میان خود تنظیم کرده‌اند که نظم و ثبات نسبی منطقه‌شان حفظ شده و توسعه و شکوفایی را برایشان به ارمغان آورده است.

ایران، با توجه به موقعیت جغرافیایی خود در میان دو منطقه با دو منطق متفاوت قرار گرفته، آسیا در مفهوم کلی خود با منطق ژئواکونومیک و خاورمیانه با منطق ژئوپلیتیک. هر چه درگیری‌های ژئوپلیتیک، نظامی و امنیتی جنوب غرب آسیا بیشتر می‌شود، ضرورت و اهمیت چرخش به سوی ساختارهای ژئواکونومیک آسیایی نیز افزایش می‌یابد. بدیهی است این چرخش پارادیمی به معنای رها کردن و خاتمه نفوذ خاورمیانه‌های ایران نیست. چون واقعیات جغرافیایی و ژئوپلیتیک، حضور ایران در خاورمیانه را برای حفظ امنیت ملی کشور حیاتی ساخته است.

از اینرو، باز کردن پنجره‌های جدید در سیاست خارجی ایران در قالب پارادایم ژئواکونومی آسیایی برای تأمین امنیت پایدار و افزایش گزینه‌های کنش استراتژیک کشور حیاتی است. کشورهای چین، کره جنوبی، ژاپن، اندونزی و... بیشترین رشد را در دو دهه اخیر داشته و در عرصه ماشین‌سازی، هواپیماسازی، کشتی‌سازی، پتروشیمی، صنایع الکترونیک و IT به تکنولوژی بسیار خوبی دست یافته‌اند که می‌توان با روابط گسترده، از ظرفیت‌های آن‌ها استفاده نمود.

3- تقویت همکاری‌ها با اروپا با استفاده از رقابت‌های تاکتیکی اتحادیه اروپا و آمریکا به منظور تأمین اهداف اقتصادی و سیاسی

امروزه برآورد راهبردی اتحادیه اروپا در نظام بین‌الملل نشان می‌دهد که این اتحادیه به واسطه چالش‌های متعددی که پیش‌روی آن قرار گرفته تا حدود زیادی از قدرت تعیین‌کنندگی یک طرفه سابق در روابط خود با سایر بازیگران دور شده است. بحران اوکراین، چالش پناهجویان، تروریسم، برگزیت، بحران‌های مالی کشورهای ضعیف در اروپا، پیروزی احزاب راست‌گرای افراطی در انتخابات مختلف و... مجموعه این چالش‌ها اروپایی به مراتب ضعیف‌تر از قبل را پیش‌روی ایران قرار داده است. چالش‌های فوق‌الذکر، اروپای امروز را به شدت از دو ناحیه اقتصاد و امنیت آسیب‌پذیر ساخته، بحران پناهجویان و تروریسم که ریشه آن در بحران‌های امنیتی منطقه خاورمیانه است، اتحادیه اروپا را به سمت راه حل و همکاری با بازیگری کلیدی به نام ایران کشانده است.

ایران بایستی فرصت فعلی پیش آمده در روابط خود و اروپا را مغتنم شمرده و به تدوین یک استراتژی مشخص در قبال این اتحادیه بپردازد.

الف) غیر امنیتی کردن روابط: با توجه به نگاه امنیتی اروپا به ایران، استراتژی ایران باید بر این امر استوار باشد که ایران با وجود برخورداری از یک ایدئولوژی اسلامی و انتقاد به وضع موجود نظام بین‌الملل، هرگز یک تهدید امنیتی برای موجودیت دولت‌های اروپایی نبوده و نخواهد بود. اروپائیان باید نگاه امنیتی خود به ایران را اصلاح نموده و نگاه سیاسی - امنیتی خود را بانگاهی فنی - اقتصادی جایگزین نمایند.

ب) تفکیک مسائل سیاسی - امنیتی از مسائل اقتصادی - تجاری: نهاد اتحادیه اروپا در چارچوب منطق کارکردگرای خود محصول تفکیک هوشمندانه مسائل فنی از مسائل سیاسی - امنیتی و شروع فرایند همکاری در حوزه‌های فنی است؛ به گونه‌ای که در چارچوب این منطق، با شروع همکاری در حوزه سیاست پایین (مسائل اقتصادی و فنی) و چشیدن سود حاصل از منافع

متقابل همکاری در این حوزه ها، این همکاری را می توان به تدریج به حوزه سیاست والا (مسائل سیاسی - امنیتی) نیز تسری داد.

پ) کاستن از چالش های سیاسی فی مابین از طریق بالابردن سطح مناسبات اقتصادی: در این زمینه می توان از الگوی روابط چین و عربستان با اتحادیه اروپا کمک گرفت. چین و عربستان نیز همانند جمهوری اسلامی ایران در زمینه مسائل حقوق بشری و بحث اعدامها مورد انتقاد اتحادیه اروپا هستند، اما مشاهده می کنیم که با وجود چنین چالش مشابهی، از سطح روابط راهبردی با اتحادیه اروپا برخوردارند. در واقع، سطح مناسبات اقتصادی و تجاری چین (دومین شریک اقتصادی اتحادیه اروپا بعد از آمریکا) و عربستان با اتحادیه اروپا به میزانی است که اتحادیه اروپا هرگز تمایل ندارد آن را فدای چالش های سیاسی فی مابین نماید.

ت) نهاد سازی و ساختارمند کردن روابط دوجانبه: یکی از ضعف های اساسی روابط ایران و اتحادیه اروپا، فقدان چارچوب های ساختاری و نهادی در تنظیم روابط است. در واقع، روابط میان ایران و اتحادیه در گذشته صرفاً بر اساس یک سری تفاهم نامه ها و قراردادهای فی مابین بوده و از ساز و کاری نهادی پیروی نکرده است. این در حالی است که روابط خارجی اتحادیه اروپا به جهان خارج بر اساس ساز و کارهای تعریف شده و خاصی تنظیم می شود. اتحادیه اروپا در روابط تجاری و اقتصادی خود با کشورهای ثالثی که عضو سازمان جهانی تجارت نیستند از موافقت نامه های تجاری غیر ترجیحی همچون موافقت نامه تجارت و همکاری و موافقت نامه شراکت و همکاری بهره می گیرد.

چارچوب کلی این موافقت نامه ها شامل اصول کلی، گفت و گوی سیاسی، تجارت کالا، حمایت از حقوق مالکیت فکری، صنعتی و بازرگانی، همکاری های قانون گذاری، اقتصادی و همکاری های مالی در زمینه کمک های فنی است. از این رو، جمهوری اسلامی ایران برای نهادمندسازی روابط با اروپا و ثبات بخشیدن به آن می باید به سمت انعقاد چنین

تبیین استراتژی ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران پس از برجام/ 57

موافقت نامه هایی حرکت نماید، مسئله ای که درسند راهبردی پارلمان اروپا نیز تصریح شده است. علاوه بر این، موافقت با تأسیس دفتر نمایندگی اتحادیه اروپا در تهران نیز به فهم مشترک و تسهیل هر چه بهتر ارتباطات دوجانبه کمک خواهد نمود.

ث) توجه به نقش کلیدی سه قدرت بزرگ اروپایی در ساختار تصمیم گیری اتحادیه اروپا: با وجود این که اتحادیه اروپا یک بلوک ۲۸ کشوری است و عمده تصمیم ها نیز بر مبنای آراء اکثریت اعضا اتخاذ می شود، اما برآوردهای راهبردی و تجارب موجود نشان می دهد که سه قدرت بزرگ اروپایی یعنی آلمان، فرانسه و انگلستان هستند که مسئول اصلی تدوین و تنظیم روابط خارجی اتحادیه اروپا (همانند روابط اقتصادی با کشورهای ثالث) بوده و تربیت کادر اجرایی سرویس اقدام خارجی اروپایی را بر عهده دارند. این سه قدرت اروپایی از اتحادیه اروپا به عنوان ابزار گسترش دهنده قدرت ملی خود سود می جویند و سمت و سوی کلی سیاست خارجی و امنیتی مشترک اتحادیه اروپا را در راستای حداکثرسازی منافع ملی خود تنظیم می نمایند.

از این رو، در راهبرد جمهوری اسلامی ایران در قبال اتحادیه اروپا، کشورهای آلمان، فرانسه و انگلیس می باید از جایگاهی ویژه و کلیدی برخوردار باشند؛ چرا که هدف گذاری توسعه روابط با اتحادیه اروپا بدون توجه به اعضای اصلی آن، دستاورد چشم گیری برای ایران نخواهد داشت.

ج) پیگیری همزمان روابط دوجانبه با همه دولت های عضو اتحادیه اروپا: با وجود مجموعه واحدی به نام اتحادیه اروپا، هنوز هم دولت های عضو این اتحادیه حاکمیت ملی خود را حفظ نموده و کشورهای ثالث در روابطشان با اروپا، همزمان با دو موجودیت سیاسی اتحادیه اروپا و دولت های ملی عضو آن مواجه هستند. بنابراین، استراتژی ایران در قبال اروپا می باید به صورت مشخص بر دو روند موازی استوار باشد.

روند اول مسیر موجود تعامل با اتحادیه و سازوکارهای آن به‌ویژه تعامل با قدرت‌های اصلی اروپاست و روند دوم تعامل با تک کشورهای اروپایی بر اساس منافع مجزای آن کشور و فارغ از تعامل با اتحادیه اروپاست. دولت‌های عضو اتحادیه اروپا در شرایط بحرانی معمولاً روبه‌سوی سیاست‌های ملی‌گرایانه می‌آیند و در چنین شرایطی کیفیت روابط دوجانبه با آنان برای بهره‌برداری از فرصت‌های پیش‌آمده بسیار حائز اهمیت خواهد بود.

چ) بهره‌گیری از رقابت‌های تاکتیکی اتحادیه اروپا و آمریکا در قبال ایران: اگرچه آمریکا و اروپا در مورد نحوه تعامل با جمهوری اسلامی ایران به یک ارزیابی مشترک و توافق استراتژیک رسیده‌اند، اما این اتحاد استراتژیک به معنای آن نیست که این دو، اهداف و منافع تاکتیکی متمایزی در قبال ایران نداشته باشند.

اروپا تلاش می‌کند تا در چهارچوب استراتژی کلان تعامل غرب با ایران، منافع متوازن و متناسبی را در مقایسه با آمریکا کسب نماید. این مسئله به‌ویژه پس از آشکارشدن مذاکرات پنهانی ایران و آمریکا پیش از توافق هسته‌ای ایران و 1+5، کشورهای اروپایی را بر آن داشته است تا در پی تأمین منافع اروپایی بیشتری باشند. بنابراین، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند در استراتژی خود در قبال اتحادیه اروپا بر اساس یک دیپلماسی هوشمندانه و حذفی از رقابت‌های تاکتیکی اروپا و آمریکا برای پیشبرد اهداف و تأمین منافع ملی خود استفاده بهینه نماید.

1- کاهش تنش با ایالات متحده آمریکا به منظور سلب ابتکار عمل از آمریکا

ایران با کاهش تنش با ایالات متحده می‌تواند قدرت منطقهای خود را تثبیت کند، از مشکلاتی که در منطقه با آن درگیر است خارج شود و با کشورهای دیگر، بویژه کشورهای غربی و پیشرفته شرق دور که از تکنولوژی، توانمندی و فناوری بهره‌مند هستند بدون مزاحمت آمریکا فعالیت داشته باشد.

تبیین استراتژی ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران پس از برجام/ 59

همانگونه که در برخی از ادوار سیاست خارجی ایران، آمریکا و ایران بر سر مسائل مهم منطقه‌ای همچون طالبان، عراق، هسته‌ای و... همکاری جزئی و نسبی داشته که در واقع به نفع ایران هم بوده، در دیگر مسائل منطقه‌ای مانند عراق، افغانستان، یمن و سوریه و امنیت خلیج فارس می‌توان گفتگو کرد و نیازی هم به علنی کردن گفتگوها نیست. ایران بایستی کار اقتصادی را با آمریکا پیش برد و مسائل سیاسی را نیز جداگانه پیگیری نماید. شرایط بی نظیری برای ایران در زمینه بهره‌مندی از دیپلماسی نرم به وجود آمده که موجب تعمیق شکاف داخلی و خارجی آمریکا جهت اقدام علیه ایران خواهد شد. منافع ملی کشور ایجاب می‌کند از هرگونه اقدامی که موجب اجماع بین‌المللی و داخلی در آمریکا علیه ایران شود، خودداری شود و ایران در اولویت اول آمریکا قرار نگیرد. مؤثرترین راه مقابله با آمریکا، نوعی از دیپلماسی است که بتواند مردم و افکار عمومی آمریکا و جهان را از تندروهای آمریکایی دور و به ایران نزدیک کند.

جهان به شدت به سمت چندجانبه‌گرایی حرکت کرده است. بسیاری در دنیای فعلی دنباله‌رو یکجانبه‌گرایی و ملی‌گرایی نیستند. قدرت‌های جهانی مثل کشورهای اروپایی، روسیه، چین، هند و ژاپن در تدوین و مشروعیت برجام و ضرورت ادغام و همکاری ایران در حل مسائل منطقه کاملاً باهم متحد هستند. بهترین راه کار برای مقابله با آمریکا ایجاد شکاف در مواضع بین‌المللی آمریکا از طریق روابط با سایر قدرت‌های جهانی و در عین حال پرهیز از هرگونه اقدامات متقابل و تلافی جویانه است.

از دیگر استراتژی ایران، بین‌المللی کردن سطح مناقشه با آمریکا از طریق رایزنی با کشورهایی مانند چین و کشورهای اروپایی است. جهت تأثیرگذاری اقدامات، ایران بایستی مشکلات و معضلاتش با آمریکا را در یک فضای بین‌المللی و جهانی مطرح کند.

ایران بایستی از اقدامات و مواضع تحریک‌آمیز بی‌مورد که صرفاً بهانه به دست آمریکا می‌دهد بپرهیزد و جهت جلوگیری از درگیری نظامی بین شناورهای نظامی ایران و

آمریکایی در حال حرکت در خلیج فارس مراقبت هوشمندانه داشته باشد. تا بهانه‌جویی‌های آمریکا جهت برخورد نظامی احتمالی با ایران سلب شود. بایستی از فرصت‌های همکاری غیر مستقیم تهران - واشنگتن در منطقه جهت مقابله با تروریسم و داعش حداکثر استفاده شود. در این صورت طبق نظریه تسری (Spill-Over) احتمال تنش‌زدایی در زمینه‌های دیگر هم به وجود می‌آید. ایران باید با تقویت همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی فرآیند غنی‌سازی اورانیوم، ذخایر سوخت هسته‌ای و آب سنگین خود را بر اساس استانداردهای برجام، تنظیم و توسعه دهد تا هیچ بهانه‌ای جهت سوء استفاده آمریکا علیه برجام را ندهند.

نتیجه‌گیری

با توجه به آثار و پیامدهای مختلف برجام در سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی در این پژوهش تلاش شد ضعف‌ها، قوت‌ها، فرصت‌ها و تهدیدات برجام شناسایی و داده‌های آماری بر اساس swot و space تجزیه و تحلیل شود. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که موقعیت فعلی ایران پس از برجام در ناحیه so (ناحیه توسعه‌ای - تهاجمی) قرار دارد. با توجه به این موقعیت و شرایطی که در برجام ذکر شده، جمهوری اسلامی ایران برای بازگشت به وضعیت مطلوب بایستی مناسب‌ترین استراتژی ژئوپلیتیکی اثربخش و شرح وظایف جدیدی را در سیاست خارجی تعیین و اجرا نماید که در این مقاله 12 مورد از اهم آن تدوین و ارائه شد.

با توجه به سیاست‌های تهاجمی و ائتلاف منطقه‌ای برخی کشورهای منطقه علیه ایران، فشارهای همه‌جانبه ایالات متحده، حضور روزافزون چین و روسیه در منطقه، گسترش نیروهای تروریستی و بحران‌های پی‌درپی، جمهوری اسلامی ایران با داشتن منابع انرژی قابل توجه، حوزه نفوذ پیرامونی، همسایه‌های متعدد، قرار گرفتن در منطقه استراتژیک و

تبیین استراتژی ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران پس از برجام/ 61

تعامل مناسب با اتحادیه اروپا، جهت دستیابی به منافع ملی و ارتقاء وزن ژئوپلیتیک خود بایستی موارد زیر را مد نظر قرار دهد:

1- مهم ترین پایه امنیت ملی ایران، راضی بودن وامیدوار بودن مردم ایران از زندگی است که با تداوم کنترل نقدینگی و کاهش تورم و نیز ارتقاء شاخص‌های توسعه انسانی بایستی اصلی ترین بنیاد قدرت ملی را تحکیم نمود.

2- دولت‌مردان جمهوری اسلامی ایران باید این نکته را مد نظر قرار داشته باشند که اگر قرار باشد منابع و ظرفیت‌های باقی مانده کشور بعد از رهایی از مسئله هسته‌ای، در مسیرهای بحران دیگری، درگیر شود، ممکن است مملکت کشتش لازم را نداشته باشد و با تهدیدات و خطرات جدی مواجه شود.

3- لازم است میان توانایی‌های ملی و میزان تعهدات منطقه‌ای توازن وجود داشته باشد. نادیده گرفتن این مسئله می‌تواند هزینه‌های گزافی داشته باشد. سرنوشت شوروی نمونه بارزی در این مورد است.

4- جلب و توسعه سرمایه‌گذاری خارجی و استقرار آن در قلمرو جغرافیایی کشورها علاوه بر توسعه، زمینه‌ساز امنیت ملی آن‌هاست. داشتن نقش اساسی در تأمین انرژی جهانی، ضامن درآمدهای کافی برای توسعه کشور بوده و امنیت ملی کشور را نیز تضمین خواهد کرد. صنایع نفت و گاز ایران نیازمند سرمایه‌گذاری در بخش‌های قبلی و حوزه‌های جدید است که هر کدام به میلیاردها دلار سرمایه‌گذاری خارجی نیاز دارد که بایستی در اولویت اول سرمایه‌گذاری خارجی قرار گیرد.

5- آنچه در شرایط گذر از تحریم برای سیستم کشور ضرورت دارد، اعتمادسازی و هماهنگ‌سازی خود با قوانین بین‌الملل است. هر چه میزان ارتباط ایران با بانک‌ها، سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی افزایش یابد، استفاده از تسهیلات و امکانات این نهادها، می‌تواند چهره بهتری برای اقتصاد کشور ایجاد کند.

دیپلماسی اقتصادی باید بتواند با پررنگ کردن فرصت‌های ایران چون ژئوپلیتیک منحصربه‌فرد، منابع نامحدود خداداد، نیروی کار ارزان و ماهر، بازار پر جمعیت داخلی و بازارهای پر جمعیت و پر مصرف در نواحی مجاور، سرمایه‌گذاران خارجی را برای حضور در ایران ترغیب کند.

6- استفاده مطلوب از فرصت‌ها و مزایای برجام، نیازمند آرامش منطقه‌ای است. برخی کشورهای مسلمان به دلیل ترس نا بجا و بی دلیل از جمهوری اسلامی ایران، در حال چرخش به مسیری هستند که نتیجه آن، تحکیم هر چه بیشتر امنیت و رژیم صهیونیستی است. لازم است تلاش برای رفع سوء تفاهم‌ها و اختلاف‌ها با کشورهای منطقه و به ویژه همسایگان و تأکید بر مسئله «خاورمیانه عاری از سلاح‌های هسته‌ای» در دستور کار سیاست خارجی ایران باشد.

7- جمهوری اسلامی ایران نسبت به ترکیه بایستی سیاست مدارا در پیش گیرد و ضمن حفظ اقتدار خود نباید عجله‌ای در واکنش به اقدامات ترکیه از خود نشان دهد و با گفتگو و بالا بردن حجم مبادلات اقتصادی از ترکیه امتیازات بیشتری بگیرد. به علاوه اینکه عادی‌سازی مراودات اقتصادی در ایران و اتحادیه اروپا نیز مسبب شرایط اقتصادی ویژه‌ای برای ترکیه خواهد بود.

8- با توجه به وابستگی مداوم هند به انرژی و لزوم دسترسی به آسیای مرکزی و قفقاز، استفاده از فضای سرزمینی و خرید انرژی از ایران توسط هند، ایران می‌تواند از پتانسیل عضویت هند در پیمان همکاری شانگهای، سارک، بریکس و نیز فن‌آوری اطلاعات، داروسازی و... استفاده نماید.

9- شرق و غرب سیاسی دیگر معنا ندارد. تأمین کم‌هزینه نیازها و منافع جمهوری اسلامی ایران در گرو روابط متوازی و گسترده با همه کشورها و کنش‌گران بین‌المللی

تبیین استراتژی ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران پس از برجام/ 63

است. پیوندبایکی و گسست از دیگری در روابط بین‌الملل به معنای افزایش هزینه‌ها و کاهش دستاوردهاست.

10- مناطقی همچون جنوب شرق و شرق آسیا با منطق ژئواکونومیک، چارچوب همکاری و رقابت رابه‌گونه‌های میان خود تنظیم کرده‌اند که نظم و ثبات نسبی منطقه‌شان حفظ شده و توسعه و شکوفایی را برایشان به‌ارمغان آورده است. از اینرو بازکردن پنجره‌های جدید در سیاست خارجی ایران در قالب پارادایم ژئواکونومی آسیایی برای تأمین امنیت پایدار و افزایش گزینه‌های کنش استراتژیک کشور حیاتی است.

11- با توجه به چالش‌های اقتصادی و امنیتی پیش‌روی اتحادیه اروپا و همکاری مناسب در مسئله هسته‌ای، جمهوری اسلامی ایران بایستی ضمن غنیمت شمردن فرصت فعلی باغیر امنیتی کردن روابط، تفکیک مسائل سیاسی - امنیتی از مسائل اقتصادی - تجاری، کاهش چالش‌های سیاسی از طریق بالا بردن سطح مناسبات اقتصادی، نهادسازی و ساختارمند کردن روابط دو جانبه، توجه به نقش کلیدی سه قدرت فرانسه، آلمان و انگلستان و بهره‌گیری از رقابت‌های تاکتیکی اتحادیه اروپا و آمریکا در قبال ایران، برای پیشبرد اهداف و تأمین منافع ملی خود استفاده بهینه نماید.

12- منافع ملی جمهوری اسلامی ایران ایجاب می‌کند که با دیپلماسی رسمی و عمومی هر گونه اقدامی که موجب اجماع بین‌المللی و داخلی در آمریکا علیه ایران شود خودداری گردد. برای مقابله با آمریکا بایستی با ارتقاء سطح روابط با سایر قدرت‌های جهانی و پرهیز از هرگونه اقدامات متقابل و تلافی‌جویانه، در مواضع بین‌المللی آمریکا شکاف انداخت. ایران بایستی مشکلات و معضلاتش را با آمریکا در یک فضای بین‌المللی و جهانی مطرح کند و از طریق رایزنی با کشورهای همانند چین و اتحادیه اروپا سطح مناقشه با آمریکا را بین‌المللی کند. از اقدامات و مواضع تحریک‌آمیز بی‌مورد که صرفاً بهانه‌به‌دست آمریکا می‌دهد پرهیزد و با تقویت همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

فرایند غنی‌سازی اورانیوم، ذخایر سوخت هسته‌ای و آب سنگین خود را بر اساس استانداردهای برجام، تنظیم و توسعه دهد تا هیچ بهانه‌ای جهت سوء استفاده امریکا علیه برجام را ندهد.

منابع

- ابوالحسن شیرازی، حبیب اله (1394) «کالبدشناسی مذاکره هسته ای ایران و آمریکا تا حصول برجام و تصویب قطعنامه 2231»، پژوهشنامه روابط بین الملل، شماره 30. رشنو، نبی الله (1388)، ملاحظات ژئوپلیتیک در شرایط جدید سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. 1388/12/20.
- قابل دسترسی در: www.tabnak.ir/Fa/89602
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (1389) «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، انتشارات سمت، تهران.
- علی احمدی، علیرضا، فتح الله، مهدی و تاج الدین، ایرج (1382)، نگرش جامع بر مدیریت استراتژیک (رویکردها، پارادایمها، مکاتب و...)، انتشارات تولید دانش، تهران.
- غریب آبادی، کاظم (1388) «دیپلماسی هسته ای دولت نهم، سیاست ها و دستاوردها، مبانی حکمی و سیاست عملی دولت نهم در روابط بین الملل»، مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری، تهران.
- فلاحی، سارا (1386) «بررسی مقایسه ای دیپلماسی هسته ای دوران ریاست جمهوری محمد خاتمی و محمود احمدی نژاد (تا پایان قطعنامه 1747 شورای امنیت)» پژوهشنامه علوم سیاسی، شماره 6.
- کمپ، جفری و هارکاو، رابرت (1383)، جغرافیای استراتژیک خاورمیانه، ترجمه سید مهدی حسین متین، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.
- Hunter, T, S, (2010) *Iran's Foreign Policy in the Post-Soviet Era*, Greenwood, Santa Barbara, California.
- Jahanpour, Farhang, (2007), "Chronology of Iran's Nuclear Programme, 1957-2007", Oxford Research Group, Access in: <http://www.oxfordresearchgroup.org.uk>.
- Kibaroglu, Mustafa, (2007), "Iran's Nuclear Ambitions from a Historical Perspective and the Attitude of the West", *Middle Eastern Studies*, Vol. 43, No. 2, Access in: <http://www.mustafakibaroglu.com>

Shanon, N.K, (2005) Europe and Iran's Perspectives on Non-Proliferation,
Oxford University Press.